

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۸
تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۷

فصل نامه علمی - تخصصی عصرآدینه
سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵

نمادگرایی در شعرانتظار (با تکیه بر سروده‌های علی معلم و علیرضا قزوه)

نجمه نظری^۱
جمیله زارعی^۲

چکیده

نماد به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع صورخیال، از دیرباز تا کنون مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. در شعرانتظار با توجه به فضای معنوی و روحانی آن از سویی و رویکرد انتقادی - اجتماعی آن از سوی دیگر، نمادگرایی جایگاهی ویژه دارد. شعرانتظار شاخه‌ای از شعرولایی است و مضامینی چون انتظار فرج، اظهار ارادت و علاقه به حضرت مهدی (عج)، ویژگی‌های منتظر واقعی و بیان کاستی‌ها و نابه‌سامانی‌های عصر حاضر را در برمی‌گیرد.

انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق از مهمترین حوادث تأثیرگذار بر شعرانتظار بوده است. علی معلم و علی‌رضا قزوه نیز به عنوان دو شاعر مطرح در حوزه‌ی شعرآیینی و ادبیات پایداری از این تأثیرپذیری برکنار نبوده‌اند. علاوه بر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مسائل روز ایران، انتقاد از جامعه‌ی پیش از عصر ظهور و تلاش برای خودسازی به منظور درک دولت حضرت مهدی (عج) زمینه ساز ورود نمادهای تازه‌ای در شعرانتظار قزوه و معلم شده است.

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینای همدان (نویسنده مسئول) (majmehnazari@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا.

در پژوهش حاضر به بررسی خاستگاه نمادها و نمادهای مرسوم و ابداعی در سروده‌های این دو شاعر خواهیم پرداخت. مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که معلم و قزوه از چه نمادهایی در شعرانتظار خود و در توصیف منجی بهره می‌گیرند و در نمادهای مورد استفاده‌ی دو شاعر چه اشتراکاتی وجود دارد؟

واژگان کلیدی

شعرانتظار، نماد، علی معلم، علی رضا قزوه.

مقدمه

شعرو لای از شاخه‌های شعر آیینی به شمار می‌رود و هر مقوله‌ی شعری را که صبغه‌ی مذهبی داشته و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد در برمی‌گیرد. شعرو لای از لحاظ موضوعی اختصاص به خاندان عترت و طهارت دارد. سخنان، سیره‌ی اخلاقی و فضای وجودی اهل بیت علیهم‌السلام در شعرو لای، بازتاب پیدا می‌کند. شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی و شعر مهدوی زیرمجموعه‌های شعرو لای هستند (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۵). شعر مهدوی فاقد صبغه‌ی سوگواری است و از نظر موضوعی می‌توان انواعی برای آن در نظر گرفت؛ از جمله شعرانتظار، شعر فرج، شعر غیبت، شعر دیدار، شعر مسجد مقدس جمکران، شعر مسجد سهله، شعر ظهور، شعر حضور، شعر حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، شعر رسالت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام و شعر یاران مهدی (مجاهدی، ۱۳۸۹: ۱۲).

مفهوم انتظار، قبل از انقلاب در آثار شاعران اهل بیت علیهم‌السلام، مذهبی و هیئت‌ی و به صورتی محدود در آثار شاعران دیگر حضور دارد. پس از پیروزی انقلاب و احیای آرمان‌های اسلامی با وفور باورهای مذهبی در شعر مواجه می‌شویم که مهم‌ترین آن‌ها مسئله‌ی عاشورا و مفهوم انتظار است (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۹۲).

شعرانتظار شاخه‌ای از شعرو لای است و مضامینی چون انتظار فرج، اظهار ارادت و علاقه به حضرت مهدی علیه‌السلام، ویژگی‌های منتظر واقعی و بیان کاستی‌ها و نابه‌سامانی‌های عصر حاضر را در برمی‌گیرد. پس از انقلاب، شعرانتظار با توجه به استقبال شاعران گسترش یافت و از لحاظ فرم و محتوا ویژگی‌های خاص خود را پیدا کرد. شعر شاعران این دوره، بستری صمیمی و عاطفی برای گفتگوی منتظر و موعود است و انتظار برای شاعر یک مفهوم ملموس و عینی است. پیوند مفهوم انتظار با شعر انقلاب و ادبیات

شعر

سال نهم، شماره ۱۹، پیاپی: ۱۳۹۵

پایداری، سبکی تازه را در شعر معاصر رقم زد. ویژگی برجسته‌ی آثاری از این دست القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، تحریک و تهییج برای تغییر وضع موجود و مفاهیمی از این نوع است. فضای معنوی و روحانی شعر انتظار و کارکرد انتقادی - اجتماعی آن موجب شده نمادگرایی در این شاخه از شعر معاصر جایگاهی ویژه داشته باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی در زمینه‌ی شعر انتظار به رشته‌ی تحریر درآمده است. عنوان برخی از این پایان‌نامه‌ها عبارت است از: مهدویت در آیین‌های شعرنو: بررسی اشعار قیصر امین‌پور، طاهره صفارزاده، سلمان هراتی و محمدرضا شفیعی کدکنی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد لیلا سلطانی نسب؛ تحلیل جایگاه و نقش مفهوم انتظار موعود در شعر انقلاب با تکیه بر آثار سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پیمان شوهان و فلسفه‌ی انتظار در ادب فارسی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد فاطمه کاویانی پور. برخی مقاله‌های منتشر شده در این زمینه عبارتند از: «بررسی کارکرد عناصر موسیقایی شعر انتظار (در دوره‌ی معاصر)» نوشته زهرا بهرامیان، حسن دلبری و مهیار علوی مقدم؛ «بررسی واژه‌شناختی زبان شعر انتظار» نوشته‌ی مهیار علوی مقدم و زهرا بهرامیان و «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی» نوشته‌ی احمد امیری خراسانی و قاسم صادقیان زاده. در زمینه‌ی شعر مهدوی؛ دو کتاب سیمای مهدی موعود در آیین‌های شعر فارسی اثر محمدعلی مجاهدی و شعرآیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، نوشته‌ی زهرا محدثی خراسانی به رشته‌ی تحریر درآمده است. در دو کتاب اخیر به تعاریف و موضوعات شعر مهدوی، نمونه‌ی ابیات و اشاره به برخی از مضامین شعر مهدوی در شعر شاعران کلاسیک پرداخته شده است.

با وجود پژوهش‌های صورت گرفته این مقاله نخستین پژوهش مستقل در زمینه‌ی نمادگرایی در شعر انتظار است.

رمز، سمبل و نماد

رمز کلمه‌ای عربی است که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود و معنی آن به لب یا به

چشم یا به ابرو یا به دهن یا به دست یا به زبان اشارت کردن است. رمز عبارت است از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر آن می‌نماید دلالت دارد. رمز با تمام وسعت مفهوم و معنی خود می‌تواند معادلی برای واژه‌ی سمبل در زبان‌های اروپایی باشد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۱-۵).

سمبل (symbol) واژه‌ای یونانی است به معنی به هم چسباندن دو قطعه‌ی مجزا و حاکی از چیزی است که دو قسمت شده باشد (سید حسینی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۵۳۸). سمبل، نشان دادن یک مضمون به جای دیگری نیست؛ بلکه استفاده از تصاویری عینی و ملموس برای بیان عواطف و افکاری انتزاعی است. در این صورت معنی واژه‌ی سمبل بسیار گسترده است. تی. اس. الیوت (T.S. Eliot) معتقد است که تنها راه بیان عاطفه و احساس به شکل هنری، یافتن آن چیزی است که به گفته‌ی او نه سمبل بلکه یک «رابطه‌ی عینی» است؛ یعنی مجموعه‌ای از چند شیئی، یک وضعیت، یا سلسله‌ای از رخدادهایی که تصویرگران عاطفه و احساس خاص باشند. استفان مالارمه (Stepha Mallarme) در تعریف سمبل می‌گوید:

هنر یاد کردن از چیزی به صورت خرده خرده، تا آن که وصف حالی بر ملا شود، یا برعکس، هنر انتخاب چیزی و وصف حالی را از آن بیرون کشیدن.

هانری دورنیه (Henry de Regnier) نیز سمبل را چنین تعریف می‌کند: مقایسه‌ی انتزاعی با عینی در حالی که به یکی از معیارهای مقایسه به طور ضمنی اشاره شود. (چدویک، ۱۳۷۵: ۹-۱۰)

در زبان فارسی، برابر نهادهای سمبل، رمز و نماد است. نماد در کنار انواع تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه یکی از صورخیال به شمار می‌آید (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۰). به طور معمول هر تصویری شامل دو نیمه است: رسانه (مشبه و مشبه به یا مستعار و مستعار منه) و دیگری غرض. نماد همان رسانه است که صورت مرئی آن در متن ادبی می‌آید و غرض آن ایده‌ای نامرئی و پنهان است که به طور واضح بدان اشاره نشده است (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

نماد مانند دیگر انواع صورخیال جزو ذات ادبیات به شمار می‌آید و در طول تاریخ شعر و ادبیات حضوری گسترده داشته و دارد. شاعران فارسی زبان از نماد برای بیان احوال روحانی و معنوی از سویی و انتقادات سیاسی - اجتماعی از سوی دیگر

بسیار بهره گرفته‌اند.

در بیان رمزی و نمادین، وظیفه‌ی صورخیال تبیین معنی و احوال نفسانی نویسنده یا شاعر و هدایت خواننده در فضای روحی گوینده است به قصد درک معنی و تجربه‌ی منجر به کشف معنی؛ به ویژه هنگامی که موضوع سخن، حقایق متعالی مربوط به عرفان و الهیات و هیجانات و عواطف روحی ناب و شخصی است، وظیفه‌ی اصلی و مهم صورخیال، کمک به شناسایی و وسیله‌ی تقرب به کیفیت احوال روحانی صاحب اثر است؛ احوالی که بیانش با زبان ساده و معمولی دشوار و بلکه ناممکن است (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۳۶۰).

نمادگرایی در اشعار انتظار معلم و قزوه

انقلاب اسلامی، در تاریخچه‌ی شعرانتظار، یک نقطه‌ی عطف به شمار می‌آید. پس از انقلاب اسلامی بسیاری از شاعران حوزه‌ی پایداری بین مضامینی چون ظلم‌ستیزی، دادخواهی و آزادی با انتظار فرج ارتباط برقرار کردند. کاربرد نمادین واژه‌ها در شعرانتظار تا پیش از انقلاب بازتاب گسترده‌ای ندارد؛ اما در شعرپس از انقلاب با توجه به دو مقوله‌ی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، کاربرد واژه‌های نمادین افزایش می‌یابد. بسیاری از نمادهای مرتبط با انقلاب و جنگ تحمیلی در شعرانتظار حضور دارند. به عنوان نمونه واژه‌های چون لاله، نخل، سهره و ستاره در شعرانتظار نماد شهید هستند. در دهه‌های اخیر نیز انتقاد و نارضایتی شاعران از برخی مسائل فرهنگی و اجتماعی موجب کاربرد گسترده‌ی نماد در شعرانتظار شده است.

علی معلم و علی رضا قزوه به عنوان دو شاعر مطرح در حوزه‌ی شعرپایداری به موضوع انتظار توجهی ویژه داشته‌اند. در شعرانتظار این دو شاعر در کنار نمادهای رایج و مرسوم، برخی نمادهای تازه و ابداعی دیده می‌شود که موجب پدید آمدن سبکی شخصی شده است.

۱. خاستگاه نماد

هر پدیده‌ای قابلیت آن را دارد که در نگاه شاعر به نماد تبدیل شود. «تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که هر چیزی می‌تواند معنای نمادین پیدا کند، مانند اشیاء طبیعی یا آنچه دست‌ساز انسان است و یا حتی اشکال تجریدی. در حقیقت تمام جهان یک نماد

بالقوه است.» (حسن لی، ۱۳۸۳: ۳۵۲) با این وجود طبیعت بهترین دستمایه‌ها را برای نمادپردازی در اختیار شاعران نهاده است. طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری و دین و مذهب سه خاستگاه برجسته‌ی نماد به شمار می‌روند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در شعرانتظار علی‌رضا قزوه و علی معلم، خاستگاه نماد غالباً طبیعت و عناصر دینی و مذهبی است.

طبیعت: ارائه‌ی یک تصویر نمادین و رمزی از عناصر طبیعت در شعرانتظار کاربردی گسترده دارد؛ بدین معنی که شاعر پدیده‌های طبیعی مانند: سنگ، گل، ماه، درخت و... را به کار می‌گیرد تا به مفهوم نامحسوسی که در ذهن دارد تجسم ببخشد و آن را محسوس و قابل درک سازد. در این سروده‌ها عناصر طبیعت، فضایی عاطفی و سیال پدید می‌آورند و شاعر را قادر می‌سازند تا با یاری عنصر خیال، تصاویری سرشار از عاطفه و احساس خلق کند.

در شعرانتظار قزوه واژه‌های پرتاووس، مگس، لاله، سهره، نخل، خورشید و شکوفه دارای معنای نمادین هستند. پرتاووس نماد مناصب عالی و در تقابل با آن، مگس نماد افراد دون و پست است. لاله، سهره و نخل در شعر دفاع مقدس نماد شهید هستند. قزوه با کمک این سه نماد به رابطه‌ی عاطفی شهدا با منجی توجه دارد. کاربرد نمادین واژه‌هایی چون شکوفه و بهار بیانگر دغدغه‌ی شاعر برای خودسازی است. در شعر زیر شکوفه نماد معنویت است:

آه می‌کشم تو را، با تمام انتظار پر شکوفه کن مرا، ای کرامت بهار
(قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۱۵)

در شعر معلم نیز واژگان صبح، شب، باد، مار، گرگ، کبوتر، راغ، باغ و ستاره دارای معنای نمادین هستند. فضای جامعه‌ی ایران پیش از پیروزی انقلاب و امید به پیروزی باعث شده دو نماد صبح و شب به شعرانتظار معلم راه یابند. معلم با بسط این دو نماد، به دوران پیش و پس از ظهور منجی توجه دارد. باد، مار و گرگ در شعر معلم فضای آلوده و اوضاع نابه‌سامان دنیای امروز را به تصویر می‌کشد. راغ و باغ نیز نمادهایی هستند برای ترسیم دنیای آرمانی پس از ظهور منجی:

بیا به جهد مفری به راغ بگشاییم بیا به نقب، دری سوی باغ بگشاییم
به جان دوست که ماییم بی خبر مانده نشسته اوست به دروازه منتظر مانده

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۱)

خورشید در شعرانتظار، از جمله در سروده‌های معلم و قزوه، نماد منجی و مهدی موعود علیه السلام است. در بخش‌های دیگر به نمادهای یاد شده بیشتر خواهیم پرداخت.

فرهنگ و باورهای ملی: «سرچشمه‌ی بسیاری از نمادهای ادبی، باورها و اعتقادات و اساطیر ملی و فرهنگی یک قوم است. هر قومی برای بیان ایده‌ها و نگرش‌های اساطیری خویش، نمادهای ویژه‌ی خود را دارد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۱)

لاله از نمادهایی است که ریشه در فرهنگ مقاومت و ادبیات پایداری ایران دارد. تصنیف مشهور عارف قزوینی (از خون جوانان وطن لاله دمیده) بیانگر این نکته است که در عصر مشروطه نیز لاله به عنوان نمادی برای شهید به کار می‌رفته است. در شعرانقلاب اسلامی، لاله یکی از نمادهای برجسته و پر بسامد به شمار می‌رود. و از دیرباز با مفهوم شهید و شهادت پیوند خورده است:

با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم که شهیدان که اند این همه خونین کفنان
(حافظ، ۱۳۶۹: غزل ۳۸۷)

لاله در فرهنگ انقلاب اسلامی نماد شهید است. در دوبیتی زیر شاعر ضمن قرینه سازی با لاله و نرگس بین شهادت و انتظار ارتباط برقرار کرده است:

بی‌تا عاشقی را پاس داریم سربرشهیدان گل بکاریم
تمام دشت یک سر لاله زار است گل نرگس تو را چشم انتظاریم
(قزوه، ۱۳۹۰: الف ۳۰)

در ادبیات فارسی از دیرباز داغ دار بودن، ویژگی برجسته‌ی لاله است. در بیت زیر معلم داغ عشق و انتظار موعود را با نماد لاله به تصویر کشیده است:

خونین به راه دادرسی ایستاده‌ایم چون لاله داغدار کسی ایستاده‌ایم
(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۵۷-۶۱)

علاوه بر لاله، کاوه و فریدون با معانی نمادین دادخواهی، ظلم ستیزی و حق طلبی از دیگر نمادهای به کار رفته در اشعار انتظار معلم هستند. در شعر زیر معلم تأکید می‌کند با ظهور منجی و در سایه‌ی هدایت اوست که حق طلبان و ظلم ستیزان به پیروزی نهایی می‌رسند:

ما آگه کاوه هم بشیم ما روزمونه می‌زنه باید فریدونی باشه که شاخ دیو و بشکنه
(همو: ۱۳۹۳: ۴۴۸)

دیوبه عنوان موجودی اهریمنی در شعر معلم نماد حاکمان ستمگر و خودکامه است و در تقابل با ظلم ستیزانی چون کاوه و فریدون قرار می‌گیرد. در شعر قزوه نیز دیو نماد مدعیان حق طلبی و حاکمان ستمگری است که با فریب و تزویر براریکه‌ی قدرت تکیه زده‌اند:

دیوها دعوی اعجاز سلیمان دارند مرغ پیغامبر ما شده‌اند این مگسان
(قزوه، ۱۳۹۱ الف: ۱۰۳)

دین و مذهب: نمادهای دینی، آن دسته از عناصری هستند که شاعر یا نویسنده از گنجینه‌ی معارف دین و مذهب خاصی گرفته و به آن‌ها ماهیت نمادین می‌بخشد. پیشوایان و رهبران دینی، قهرمانان، مکان‌های مقدس، زمان‌های مقدس و اشیا می‌توانند نمادهای ویژه نزد پیروان هر دینی باشند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۲).

در شعر انتظار قزوه پیامبرانی چون حضرت مسیح، یعقوب، یوسف، سلیمان، اسماعیل و موسی علیهم‌السلام حضور دارند. مهدی موعود و ولی عصر علیه‌السلام هم از نام‌های منجی آخرالزمان هستند. فرود آمدن حضرت عیسی علیه‌السلام هنگام ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام از آسمان و پشت سر حضرت نماز گزاردن ایشان، زیبایی یوسف و غیبت او، حشمت و حکومت سلیمان، شکافته شدن نیل برای حضرت موسی علیه‌السلام و پیروزی برفرعون و تشنگی اسماعیل علیه‌السلام و ارتباط آن با اشتیاق منتظران برای دیدار موعود در شعر انتظار قزوه مورد توجه است. در شعر زیر کعبه نماد مقصد (دیدار منجی) و اسماعیل نمادی برای اشتیاق و عطش شاعر نسبت به دیدار موعود است:

کعبه دور است و دل تشنه‌ام اسماعیل است زمزمی، زمزمه‌ای، سوختم ای هم نفسان
(قزوه، ۱۳۹۱ الف: ۱۰۳)

در شعر انتظار، فرعون نماد پادشاهان و حاکمان ستمگر و موسی نیز نماد منجی و رهایی بخش است. در بیت زیر گسترش ظلم در آخرالزمان و دعا برای آمدن منجی در سحرگاه مورد تأکید است.

زمین هر روز، فرعونی دگر در آستین دارد دعا کن هر سحر، آبتن موسی شود نیلش

(همو: ۱۳۹۰: ب: ۴۵)

مدینه، بقیع، منا و کعبه از مکان‌های مقدسی هستند که در شعر انتظار قزو به کار رفته‌اند. کعبه از مکان‌هایی است که امام در آن حضور مستمر دارد. منا به روح گرفتار در دنیا اشاره دارد. مدینه و بقیع هم یادآور دردها و رنج‌های اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: تو صد مدینه داغی، تو صد بقیع دردی یتیم می‌شود خاک، اگر که برنگردی (همو: ۴۷)

جمعه برای مسلمان به عنوان روزی مقدس نماد انتظار و یادآور ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه است از این رو در شعر انتظار قزو به بارها مورد توجه قرار گرفته است: این شنبه و آدینه، به تکرار، مرا کشت تا چند صبوری کنم ای جمعه‌ی ناگاه (همو: ۴۳)

نام پیامبرانی چون نوح علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، مسیح، آدم، ایوب، یعقوب، موسی، ابراهیم و شخصیت‌هایی چون مقداد، مالک و میثم در شعر «باور کنیم سکه به نام محمد صلی الله علیه و آله است» از علی معلم دیده می‌شوند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه‌دهنده‌ی راه محمد و هم نام اوست. مسیح پشت سر حضرت نماز می‌خواند، ایوب نماد صبر، یعقوب نماد انتظار، موسی نماد عبور از مشکلات، ابراهیم نماد بت شکنی، و مقداد و مالک و میثم نماد مجاهدان راه حق هستند.

راوی بخوان که افسر سیارگان مه است راوی بخوان که مهدی موعود در ره است (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۵۷)

در شعر انتظار، حضرت نوح علیه السلام به عنوان نجات بخش، نمادی از منجی موعود است که در طوفان بلا، دستگیر مؤمنان راستین است:

... هله زین باد و بلا بوی جنون می‌آید نوح این واقعه بر لجه‌ی خون می‌آید (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۲۸۷)

براساس روایات مختلف و تفاسیر، اعمال و مقدرات انسان‌ها هر سال در شب قدر و توسط ملائکه بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه عرضه می‌شود و ایشان از همه‌ی آن‌ها مطلع است. امام جواد علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده که به ابن عباس فرمود:

شب قدر در هر سالی هست و در آن شب امر آن سال نازل می‌شود و برای آن امر،

والیانی پس از رسول خدا ﷺ وجود دارد. ابن عباس گوید: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده تن از صلب من که ائمه هستند (شیخ صدوق، ۱۳۹۰: ۵۶۶).

در شعر زیر شب قدر نماد میعاد با یار و هنگام وصال است:
شب‌ها شب‌اند و قدر شب عاشقانه‌هاست عالم فسانه، عشق فسانه‌ی فسانه‌هاست
(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۶۱)

دعای منتظران زمینه‌ساز ظهور منجی در روز جمعه است:
ای دل ما شکاری کمند پر خمت بیا نماز جمعه‌های ما نیاز مقدمت بیا
(همو: ۱۳۹۳: ۴۴۸)

۲. انواع نماد

الف) نماد مرسوم: نمادهای مرسوم نمادهایی هستند که بر اثر رواج زیاد در فرهنگ و ادبیات یک ملت و یا در ادبیات جهان به یک مفهوم قراردادی بدل شده و مفهوم آن‌ها برای همگان شناخته شده است. ارزش هنری نمادهای مرسوم در حد کاربرد یک مجاز زبانی یا استعاره‌ی مفهومی است. نماد مرسوم از آن‌جا که احساسات و مفاهیم بسیاری را برمی‌انگیزد گاه ریشه‌ی فرهنگی یا اجتماعی دارد (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

این نمادها که سمبل قراردادی هم خوانده می‌شوند، سمبل‌هایی عمومی‌اند که ساخته و پرداخته‌ی ذهن گذشتگان هستند و به ما رسیده‌اند. در شعر انتظار نیز برخی از نمادهای مرسوم و قراردادی را می‌توان دید. در ادامه نمونه‌هایی از نمادهای مرسوم در اشعار انتظار معلم و قزوه می‌آید.

اینترنت

قزوه ارتباط انسان معاصر را با موعود و مولای خویش ارتباطی مجازی و دور از حقیقت می‌داند. اینترنت نمادی برای دنیای مدرن است. دنیایی که ارتباط انسان‌ها در قالب آن معنا پیدا می‌کند:

«من این پیام را / برای شما در اینترنت می‌فرستم / مولای من، سلام / اگر قرار شد که بیایید / کافی است شماره‌های یازده رقمی‌مان را / (که عنقریب دوازده رقمی خواهد شد) / همراه داشته باشید و...» (قزوه، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

چاه

چاه در شعر عرفانی، از جمله غزل مولانا و حافظ، نماد دنیا و تعلقات دنیوی است. در شعر انتظار نیز چاه غالباً نماد دنیا و مظاهر آن است. در شعر زیر قزوه به حضور منجی و عنایت او به شیعیان در چاه دنیا توجه دارد:

زمین را دشنام دادیم / شکافت / چاه شد / و در چاه افتادیم / ویوسف با ما بود /
سحرگاه، کاروان صبوری رسید / و نام بزرگ ما را پرسید / گفتیم: یوسف / یوسف بزرگ
ماست (همو: ۱۳۹۰ الف: ۸۹)

بهار

در شعر انتظار قزوه و معلم بهار، نمادی برای وجود امام عصر علیه السلام است:
بارون! ببار که امشب خشکه دل سیاهم بهار من کجایی؟ بیا که چشم به راهم
(همو: ۱۳۹۰ ب: ۸۴)

در ترانه‌ی «گم گشته» علی معلم، سبزی در دو مفهوم آبادانی و خرمی و معنویت باطنی با آمدن منجی تحقق می‌یابد:
یه قطره خون رو آینه ست / یه چشم سرخ انتظار / یه روز دوباره سبزمی شه / وقتی که
برگرده بهار (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۴۶۷)

سنگ / فروردین

لازمه‌ی درک حیات معنوی که با ظهور منجی همراه است، رسیدن به آمادگی لازم است. در شعر قزوه سنگ نماد سختی، انعطاف ناپذیری و بی بهره بودن از حیات معنوی است، در تقابل با سنگ فروردین نماد شکوفایی و آمادگی معنوی برای درک دولت امام عصر علیه السلام است:

دلا، تا باغ سنگی، در تو فروردین نخواهد شد به روز مرگ، شერთ، سوره یاسین نخواهد شد
(قزوه، ۱۳۹۰ ب: ۴۹)

گل / غزل

در روایات معتبر بر جمال حضرت مهدی علیه السلام تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آن حضرت فرمودند:

المهدی طاووس اهل الجنة؛

مهدی طاووس اهل بهشت است. (قمی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۴۲۷)

گل نیز در بیت زیر نماد زیبایی و لطافت و غزل نماد عشق، احساس و عاطفه است. غزل تراز غزل، گل ترزگل، زیباتراز زیبا تواز «الله اکبر» آمدی، از «اشهد ان لا...» (قزوه، ۱۳۹۰: ب: ۵۱)

لاله

هر قومی برای بیان ایده ها و نگرش های خویش، نمادهای ویژه خود را دارد. این نمادها برخاسته از بطن تجربه های آیینی و سنتی آن قوم است و در نزد همه افراد آن قوم مفهوم مشترکی دارد. به عنوان مثال در ایران لاله ی سرخ، نماد شهادت است (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۱). در شعرانتظار معلم و قزوه نیز لاله نماد شهید و شهادت است. شهدا منتظران و یاوران آخرالزمانی موعود هستند:

طوفانی در راه است / و مردی می آید / از سمت بهشت زهرا / با سربازانی پا برهنه / که از چشمان شان لاله می چکد! (قزوه، ۱۳۹۰: الف: ۸۵)

واژه ی طوفان به دوران ظهور و حوادثی که به دنبال آن اتفاق می افتد اشاره دارد؛ شهداء سربازان و همراهان منجی در حوادث ایام ظهور خواهند بود.

نخل

در شعرانقلاب لاله، شقایق، گل، سرو، سپیدار و... نمادهای محوری برای شهید و مفهوم شهادتند. در شعر قزوه نیز لاله و نخل نماد شهدا و رزمندگان هستند:

بر سرم نمی کشی، دست مهرآگر، مکش تشنه ی محبت اند، لاله های داغدار
دسته دسته گم شدند سهره های بی نشان تشنه تشنه سوختند، نخل های روزه دار
(همو: ۱۵)

خورشید

در شعرانتظار قزوه، خورشید دارای دو معنای نمادین است. آفتاب و خورشید هم نمادهایی برای وجود حضرت مهدی عج هستند و هم نماد معنویت. در اشعار قزوه خورشید و آفتاب نماد امام خمینی ره نیز هستند:

اگر خورشید رفت این آسمان خورشید می زاید اگر خورشید رفت این آسمان قرص قمر دارد
(همو: ۱۳۹۱: ب: ۲۳)

خورشید منبع نور، گرما و زندگی است. شعاع‌هایش نشانه‌ی اثرات معنوی هستند که به زمین می‌رسند. شعاع خورشید از یک سو حیات بخش و از سوی دیگر آشکارکننده است. خورشید نماد شهریار و قلب مملکت است. خورشید نماد زندگی، گرما، نور، روز، اقتدار و هر چیزی است که پرتوافکن است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ج ۳، ۱۱۷-۱۲۴).

در برخی احادیث، وجود مقدس صاحب‌الامر و انتفاع مردم از ایشان به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. در روایت است که جابر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید:

آیا شیعیان در زمان غیبت از قائم آل محمد علیه السلام بهره‌مند می‌شوند؟ حضرت فرمودند: «آری قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت از او نفع می‌برند و از نور ولایتش کسب نور می‌کنند هم چنان که از خورشید استفاده می‌کنند هنگامی که در پشت ابرها قرار بگیرد.» (سلیمان، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

در این رابطه حضرت مهدی علیه السلام نیز فرموده‌اند:

بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است، هنگامی که زیر ابرها باشد. (پورسیدآقای، جباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴۰)

هنگامی که خورشید در پس ابرهای تیره پنهان یا شبانگاه است؛ جهانیان گمان دارند که موجودات از نور و حرارت خورشید بی‌بهره‌اند در صورتی که اگر دقیقه‌ای نور و حرارت خورشید به جانداران نرسد هلاک می‌شوند. وجود مقدس امام عصر علیه السلام هم همانند خورشید است؛ ایشان قلب عالم انسانیت و مربی و هادی تکوینی است و در حضور و غیبت ایشان تفاوتی نیست (امینی، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

بیا ای آفتاب مطمئن، خورشید پنهانی که دست تو گره وا می‌کند از فکر مغشوشم (قزوه، ۱۳۹۱: ب ۷-۸)

در شعر قزوه خورشید و آفتاب نماد حیات معنوی و وجود مبارک امام عصر علیه السلام است. این دو نماد بارها در اشعار انتظار او استفاده شده‌اند. حضور خورشیدی امام مایه‌ی تحول و دگرگونی در زندگی شخصی و اجتماعی شیعیان است.

تقابل ذره و خورشید از مضامین رایج در ادب فارسی است. ذره نماد کوچکی و ناچیزی و خورشید نماد عظمت است. قزوه وجود خویش را ذره‌ای در برابر خورشید وجود امام عصر علیه السلام می‌داند:

راستی ذره کجا؟ حضرت خورشید کجا؟ ظلمت همچو من و شعشعه‌ی چون اویی
(همو: ۵۹)

گوشه‌ی چشم امام بر مقدرات یک ساله‌ی ما در شب قدر می‌تواند سال ما را نورانی و
سرشار از معنویت کند و به اصطلاح شاعر خورشیدی:
گوشه‌ی چشمی به ما بنمای ای ابرو هلال تا همه خورشید گردد روزی امسال ما
(همو: ۱۳۹۱ الف: ۴-۵۳)

خون

آن چنان‌که از گزارش‌های مردم‌شناسی و از تعمق در قصص حماسی باستانی برمی‌آید
ظاهراً پیشینیان خون را همان روح یا ناقل روح می‌دانستند. از این رو خون در حماسه و
اساطیر نقش عمده‌ای دارد؛ مثلاً خون به زمین نمی‌رود مگر آن‌که انتقام او گرفته شود.
لغت «ثار» در عربی هم به معنی خون، خون‌خواهی و انتقام‌خواهی است (شمیسا،
۱۳۸۳: ۹۵). در شعر انتظار نیز خون به عنوان نماد حیات و حرکت دیده می‌شود.
هم چنان‌که رنگ سرخ نماد ایثار و شهادت، عشق، ایمان و حرکت انسان‌ساز امام
حسین علیه السلام است. در شعر معلم به خون‌خواهی منجی آخرالزمان از جدّ غریب ایشان
اشاره شده است:

در جان عالم جوشش خون حسینی است اینک قیام نایب مهدی، خمینی است
(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۶)

زرد و سبز

کم و بیش تمامی شاعران از ظرفیت نمادین رنگ‌ها برای تشخیص زبانی و
آشنایی‌زدایی زبان استفاده نموده‌اند. در شعر انتظار کارکرد نمادین رنگ‌هایی چون زرد و
سبز را در تقابل با یکدیگر می‌توان دید:
دلم زرد است، شب‌هایم همه سرد است، یا خورشید

بقیعیستان اشکم بسته شد یا «قَبَّةُ الخضرَاء»
(قزوه، ۱۳۹۰ ب: ۵۱)

زرد نماد پژمردگی، غم و ناامیدی است و در مقابل آن، سبز نماد حیات و معنویت و

سرزندگی است. در شعر زیر شب، گریه‌ی باد، بادهای زرد و کوچه‌های سرد فضای مأیوس‌کننده‌ی دنیای بدون منجی را به خوبی ترسیم می‌کنند. فضایی که تداوم و همیشگی بودن آن با واژه‌ی تمام برجسته شده است. باد در این شعر نماد ویرانگری است:

تو صد مدینه داغی، تو صد بقیع دردی یتیم می‌شود خاک، اگر که برنگردی
تمام شب نیفتاد، صدای گریه‌ی باد چه بادهای زردی! چه کوچه‌های سردی!
(همو: ۴۷)

در شعر «برشاخه‌های تهی»، کسانی که به استقبال منجی می‌روند پیشانی سبز دارند. پیشانی سبز نماد سجده و تسلیم بودن در برابر معبود است. سبز نماد معنویت و حیات واقعی است. در ادبیات کهن فارسی فرشتگان سبزپوشند:

سبزپوشان در فراز و در فرود جمله پوشیدند از آن ماتم کبود
(عطار، ۱۳۸۴: ۲۹۸)

در قرآن کریم نیز مؤمنین و اهل بهشت سبزپوش هستند.
... و خواب دیدم، هنوز/ با مردانی می‌روم که پیشانی‌شان سبز است / و خواب دیدم
به استقبال مردی می‌رویم / که اسب سپیدش / در افق‌های دور دست رهاست. (قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۸۱)

رویش سبز در شعر قزوه، نماد باروری و حیات معنوی است:
امروز بیا سبز بروییم که فردا کاری نکند حسرت و کاری نکند آه
... این شنبه و آدینه به تکرار مرا کشت تا چند صبوری کنم ای جمعه‌ی ناگاه
(همو: ۱۳۹۰ ب: ۴۳)

شب

در شعر علی معلم ترسیم فضای حاکم بر ایران در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب با انتظار موعود پیوند خورده است. در این سروده‌ها شب نماد ستم، بی‌عدالتی، استبداد حاکم و فراتر از آن، دنیای بدون منجی است؛ دنیایی که امید به ظهور منجی و فردایی روشن دارد:

این جا جهان شب است ولی بیکرانه نیست فردای روشنایی ره بی‌بهانه نیست

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۵۷-۶۱)

تقابل شب و صبح در بیت زیر نیز نشان از آمدن صبح ظهور دارد:
مگوبه یأس برادر که رنگ شب تازه ست قسم به فجر قسم صبح پشت دروازه ست
(همو: ۲۰)

در شعر قزوه نیز دنیای بدون منجی با ترکیباتی چون شبی ناتمام، شبی ظلمانی، شبی تنها، شبی مجروح، شبی دلتنگ و شبی پرتشویش به تصویر کشیده می شود:
کنار این شب دلتنگ / که بوی آخر الزمان دارد / کنار این شب پرتشویش / که هشت
صبح هایش / اخبار ناگوار به دنیا می آورد / کنار این شب تنها / که بچه های پاپتی خاک
را / در تراخم و تنهایی / رها کرده است / کنار این شب مجروح / که ماه، سرفه اش
شیمیایی است / بنشین! (قزوه، ۱۳۹۰: ب: ۱۰۷)

صبح

دو نماد محوری شعر انقلاب عبارت است از: نور و ظلمت. صبح، فجر، سپیده،
خورشید، فلک، شفق، اشراق و سحر مصادیق نور و شب بیانگر ظلمت است. نور و
مصایق متعدد آن، مظاهر حق، عدل، پیروزی و... هستند و ظلمت شب مصداق ظلم و
جهل و کفر است. (رحمدل، ۱۳۷۳: ۲۱۶)

در اشعار معلم، صبح، سحر و سپیده نمادی از انقلاب اسلامی و قیام امام خمینی
است؛ این سحر بشارت دهنده ی دولت جاوید قائم آل محمد علیهم السلام است:
الا یا قومنا قوموا اضاء الصبح مصباحا! لنا فی الصبح آثار اَلیس الصبح أصباحاً؟
(معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۳۹۲)

حضرت یوسف علیه السلام

در شعر انتظار، یوسف علیه السلام به دلیل زیبایی، دور از نظر بودن و دستگیری از محرومان
نماد حضرت مهدی علیه السلام است. شاعر حضور معنوی، پربار و حیات بخش منجی را در
خشکسال جهل و گمراهی انتظار می کشد:

شهید یوسفستان توأم زلفی پریشان کن بخشکان با گل لبخندهایت خشکسالی را
(قزوه ۱۳۹۱ الف: ۳۷)

ب) نماد ابداعی: این نوع نماد، ابداع خود شاعر یا نویسنده و حاصل عوالم روحی و

تجربیات ذهنی خاص اوست و پیش از وی کسی آن واژه را در مفهوم نمادین به کار نگرفته است. نمادهای شخصی معنای از پیش معلومی ندارند و با توجه به زمینه‌ی اثر است که می‌توان به مفاهیم آنها راه یافت (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

ستاره

ستاره منبع نور است. خصوصیت آسمانی ستاره آن را جزء نمادهای روح و به خصوص برخورد میان دو نیروی باطنی و ظاهری یا معنوی و مادی یعنی نور و ظلمت قرار می‌دهد. ستاره نماد نور الهی، مرکز عرفان و مرکز جهان گسترده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ج ۳، ۵۳۶-۵۴۴).

معلم در بیت آغازین مثنوی «باور کنیم سکه به نام محمد ﷺ است» خواننده را به فضایی حماسی وارد می‌کند. ترکیب مشهور «رجعت سرخ ستاره»، نام اولین کتاب ایشان، نیز از این مثنوی گرفته شده است. در این شعر، ستاره نماد امام عصر عجل الله تعالی فرجه و حضور هدایت‌گرو روشنی بخش ایشان است. رجعت سرخ یعنی قیام حضرت و سیر مبارزات ایشان برای برپایی حکومت عادلانه همراه با قدرت دراز بین بردن ظالمان. در روانشناسی رنگ‌ها سرخ نماد زندگی، حرکت، قدرت و تحول انقلابی است (لوشر، ۱۳۸۹: ۸۷).

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را میعاد دستبرد شگفتی دوباره را
(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۵۷-۶۱)

یکی از انگاره‌های مطرح درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، خروج ایشان با شمشیر است. این تعبیر بیانگر آن است که ظهور و قیام آن حضرت و سیر مبارزه و ظلم‌ستیزی او با درگیری و ستیز مداوم همراه خواهد بود. در روایات مختلفی این تعبیر به کار رفته و از منجی مصلح با عناوین «القائم بالسیف»، «الصاحب السیف» و... یاد شده است (کارگر، ۱۳۸۷: ۹۱).

از سوی دیگری از القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه ثائر است. ثائری کسی است که بر هیچ وضعی آرام نمی‌گیرد تا این که خون بهای خویش را بگیرد. از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمودند: هنگامی که قائم از ما به پا خیزد به خونخواهی حسین علیه السلام می‌پردازد (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۹۲). در شعر معلم و قزوه رنگ سرخ نمادی است که اشاره به خون خواهی و قیام آن حضرت دارد:

به مشتاقان آن شمشیر سرخ شعله‌ور در باد بگو تا انتظار این است، اسبی زین نخواهد شد
(قزوه، ۱۳۹۰: ب: ۴۹)

هنگامه‌ی میعاد خونینی دوباره است باورکن اینک رجعت سرخ ستاره است
(معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

ستاره در شعرپایداری به عنوان نمادی از مبارزان و شهدا کاربردی گسترده دارد. در «منظومه‌ی از خاک تا ماه» قزوه، واژه‌ی ستاره با بسامدی بالا دیده می‌شود. در این سروده، ستاره نماد شهدا، حق طلبان، معنویت و ظهور منجی است:
فردا درخت ستاره گل خواهد داد/... و زمین به آرزویش خواهد رسید/ امشب اما فریادم را / به پیشواز مردی خواهم برد/ که هنوز توبره‌ی شبانه‌ی پدرانش را / به دوش دارد... (قزوه، ۱۳۹۰: الف: ۸۷)

تیه / قریه / پرچین / راغ و باغ

آرمان شهر، ناکجا آباد یا مدینه‌ی فاضله کشوری خیالی است که در آن جا زندگانی مردم کامل و قرین رستگاری است. جایی است دست نیافتنی که تصویر آن در افق آرزوی آدمی همواره نمونه‌ی خیر برین و زیبایی و کامیابی است. آرمان شهر که وضعیتی خیالی است فراسوی واقعیت است. دورنمایی است وسوسه انگیز از جهان آرزوها (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸).

در شعرانتظار معلم قریه، راغ و باغ نمادهایی هستند برای ترسیم دنیای آرمانی پس از ظهور منجی. در بیت زیر تیه کژدم نماد دنیای امروز است و در تقابل با قریه قرار می‌گیرد:
تو می‌آیی و گیتی گریه خواهد شد برای تو به تیغ این تیه کژدم، قریه خواهد شد برای تو
(معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۳۹۲)

مراد از تیه صحرای سیناست. حضرت موسی علیه السلام از نافرمانی بنی اسرائیل در حرکت به سوی سرزمین مقدس فلسطین به خداوند شکایت کرد و خداوند بر بنی اسرائیل غضب کرد و چنین مقرر داشت که آن‌ها چهل سال در صحرای سینا سرگردان بمانند. (محمدی اشتهاودی، ۱۳۷۹: ۲۷۶)

پرچین نماد فاصله است؛ فاصله‌ای که باید آن را برداشت تا به دنیای آرمانی ظهور منجی رسید. باغ، نماد بهشت زمینی، مرکز کیهان و بهشت آسمانی است. باغ نماد نظم

در برابری نظمی است. (شوالیه و گریان، ۱۳۸۲: ج ۲، ۴۱-۶)

... بیا به فاصله دل از فراغ بگیریم به دست حوصله پرچین باغ بگیریم

بیا به جهد مفری به راغ بگشاییم بیا به نقب، دری سوی باغ بگشاییم

به جان دوست که ماییم بی خبرمانده نشسته اوست به دروازه منتظر مانده

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۱)

شکوفه

در شعر انتظار قزوه، بهار تعبیری برای وجود معنوی امام عصر علیه السلام است. شاعر موعود را با عنوان «کرامت بهار» مورد خطاب قرار می دهد و از ایشان می خواهد که او را مورد توجه و عنایت قرار دهد. شکوفه نماد معنویت، شکوفایی درون و آمادگی همه جانبه برای ظهور منجی است:

آه می کشم تورا، با تمام انتظار پر شکوفه کن مرا، ای کرامت بهار
(قزوه، ۱۳۹۰: الف: ۱۵)

سهره

در شعر قزوه سهره نمادی برای شهدای گمنام است:

دسته دسته گم شدند سهره های بی نشان تشنه تشنه سوختند، نخل های روزه دار
(همو: ۱۳۹۰: الف: ۱۵)

پرطاووس / مگس

انتقاد و شکایت از نابه سامانی های فرهنگی و سیاسی - اجتماعی از مضامین رایج در شعر انتظار است. شاعر به جابه جایی ارزش ها و منزلت و مقام یافتن افراد پست و فرومایه انتقاد می کند و با تلمیح به ماجرای تسلط دیوبه جایگاه سلیمان علیه السلام به غیبت آن حضرت و قدرت یافتن ناکسان اشاره می کند:

پرطاووس فتاده ست به دست مگسان کو سلیمان که نگین گیرد از این هیچ کسان
(همو: ۱۳۹۰: ب: ۱۰۳-۴)

در بیت فوق پرطاووس و نگین نماد مناصب عالی و در تقابل با آن، مگس نماد افراد دون و پست است. سلیمان نمادی مرسوم برای وجود حضرت مهدی علیه السلام

و نگین نیز نماد حکومت ایشان است. در شعر دیگری از قزوه طاووس نماد افراد دور و بی صداقت است:

کو قلمدان صداقت، کو مرکبدان درد حسن خود را می نمایانند این طاووس‌ها
(همو: ۱۳۹۰ الف: ۲۴)

طوفان

طوفان در شعر قزوه می‌تواند دو معنای نمادین متفاوت داشته باشد از سویی طوفان نمادی برای قیام و انقلاب امام عصر علیه السلام است و از سویی دیگر به حوادث ایام ظهور اشاره دارد:

کیست این طوفان که آسایش ندارد خنجرش جز هیاهوی قیامت نیست نام دیگرش
(همو: ۱۳۹۳: ۳۲)

در منظومه از «خاک تا ماه»، شعر با دو جمله‌ی «طوفانی در راه است / و مردی می‌آید» آغاز شده و با همین دو جمله به پایان می‌رسد. در طول شعر نیز چندین بار این جملات تکرار می‌شود که بیانگر تأکید شاعر است:

طوفانی در راه است / و مردی می‌آید / سنبله‌ها به استغاثه می‌افتند / باران خون می‌بارد / آسمان شکاف می‌خورد / ماه آتش می‌گیرد / ابرها کوه می‌شوند / کوه‌ها فرو می‌ریزند... (همو: ۱۳۹۰ الف: ۸۲)

سرب

در ابیات زیر، سرب نماد دنیای صنعتی است. شاعر فضای آلوده و اوضاع نابه‌سامان دنیای امروز را با نمادهای باد، سایه، شب، مار، گرگ و لاشه به تصویر کشیده است. باد نماد ویرانگری است. سایه و شب در تقابل با نور قرار می‌گیرند و نماد غفلت و دوری از معرفت و معنویت هستند. سایه در روانکاوی «قسمت منفی شخصیت ماست و مجموع آن خصوصیات ناخوشایندی است که ترجیح می‌دهیم پنهان بماند.» (Blutner: 2008, ۱۷-۵) گرگ از دیرباز در فرهنگ و باورهای ایرانی حیوانی شوم و اهریمنی تصور شده است. گرگ نماد آزو بی‌رحمی است (رضی، ۱۳۸۱: ۳۵۲). مار در نمادشناسی ایرانی نشانه‌ی اهریمن و نماد تباهی و مرگ است (کزازی، ۱۳۷۹: ۲۸۳). در تقابل با این نمادهای منفی کبوتر نماد روح، معنویت و سعادت است:

... هله زین باد و بلا بوی جنون می آید نوح این واقعه بر لجه‌ی خون می آید
سیل سرب آید و خون، تفته سواران در وی سایه و برکه و شب، جنبش ماران در وی
اسب‌ها صد رمه پی کرده، شناور بر خون گرگ‌ها یخ زده بر لاشه، کبوتر بر خون
(معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۲۸۷)

تقابل‌های دوگانه در نمادپردازی شعر انتظار

یکی از ویژگی‌های شعر انتظار، توجه شاعر به قرینه‌سازی و تقابل در کاربرد نمادها است. تقابل‌های دوگانه در زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و در مکتب ساختارگرایی جایگاهی ویژه دارد. «به گفته‌ی سوسور (so sor) یک نظام زبانی، زنجیره‌ای از تفاوت‌های آوایی است که با زنجیره‌ای از تفاوت‌های فکری ترکیب شده است.» (سلدن، ۱۳۸۴: ۱۶۰) تقابل‌های دوگانه را در حوزه‌های گوناگون زبانی، ادبی، فلسفی، سیاسی و اجتماعی می‌توان دید.

از آن‌جا که درون‌مایه‌ی شعر انتظار برخورد میان دو نیروی خیر و شر است، در آن انواع تقابل‌های زبانی، معنایی و ادبی را می‌توان دید. در شعر انتظار قزوه و معلم تقابل‌های دوگانه به کار رفته غالباً معنایی و ادبی هستند و از درون‌مایه‌ی انقلابی و حماسی برخوردارند. در جدول زیر نمونه‌هایی از این تقابل‌ها را می‌بینیم. از آن‌جا که در بخش‌های پیشین از این نمادها یاد شده، در این بخش به ذکر آن‌ها اکتفا می‌شود:

کاهو، فریدون	دیو
حضرت موسی علیه السلام	فرعون
حضرت سلیمان علیه السلام	دیو
حضرت یوسف علیه السلام	خشکسالی
خورشید	ذره
خورشید	شب، سرما
صبح، فجر	شب
طاووس	مگس
قریه	تیه کزدم
زمزم	تشنگی

نتیجه‌گیری

در شعر انتظار به دلیل فضای معنوی آن، نمادگرایی جایگاهی ویژه دارد. پس از انقلاب اسلامی، تحت تاثیر فضای سیاسی-اجتماعی کشور و ادبیات مقاومت،

نمادگرایی در شعر انتظار گسترش یافت و شاعرانی چون علی معلم و علی رضا قزوه از نماد برای پیوند مفهوم انتظار با ادب پایداری و مقاومت بهره گرفتند. از آن جا که درون مایه‌ی اصلی این سروده‌ها تقابل خیر و شر و غلبه‌ی خیر بر شر است، انواع تقابل‌های دوگانه را در نمادگرایی شعر انتظار می‌توان دید. در شعر انتظار معلم و قزوه تقابل خیر و شر در قالب نمادهایی چون موسی علیه السلام و فرعون، سلیمان علیه السلام و دیو، سبزو زرد، خورشید و شب و... دیده می‌شود.

خاستگاه نماد در سروده‌های قزوه و معلم غالباً طبیعت و پس از آن عناصر دینی و مذهبی است. نمادهای مرسوم که در شعر انتظار، از جمله در سروده‌های قزوه و معلم در توصیف منجی به کار می‌روند عبارتند از: گل، بهار، خورشید، فریدون، یوسف علیه السلام، موسی علیه السلام، نوح علیه السلام، سلیمان علیه السلام و... در مقابل نمادهای سایه، شب، چاه، مار، تیه، باد، خشکسالی، دیو، مگس، لاشه و... دنیای پیش از ظهور را به تصویر می‌کشند. برخی نمادهای ابداعی در شعر قزوه و معلم عبارتند از: سهره‌های بی‌نشان نماد شهدای گمنام، ستاره و طوفان نماد منجی، قریه، راغ و باغ نماد دنیای پس از ظهور منجی.

منابع

- اصیل، حجت الله، *آرمان شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
- امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۸.
- پورسیدآقای، سید مسعود؛ جباری، محمدرضا و همکاران، *تاریخ عصر غیبت*، قم: انتشارات آینده روشن، ۱۳۹۰.
- پورنامداریان، تقی، *رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- حافظ، شمس الدین محمد، *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار، ۱۳۶۹.
- حسن لی، کاووس، *گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران*، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۳.
- چدویک، چارلز، *سمبولیسم*، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- رحمدل، غلامرضا، *حماسه در شعر انقلاب*، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
- رضی، هاشم، *آیین مهر*، تهران: بهجت، ۱۳۸۱.
- سید حسینی، رضا، *مکتب های ادبی*، تهران: نگاه، ۱۳۸۷.
- سلدن، رامان، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، ۱۳۸۴.
- سلیمان، کامل، *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی*، ترجمه محمد رحمتی شهرضا، قم: انتشارات صبح پیروزی، ۱۳۹۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه، ۱۳۸۰.
- شمیس، سیروس، *انواع ادبی*، تهران: فردوس، ۱۳۸۳.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضاییلی: انتشارات جیحون، ۱۳۸۲.
- شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه منصور پهلوان، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.
- عطار، محمد بن ابراهیم، *منطق الطیر*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- فتوحی، محمود، *بلاغت تصویر*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.

- قزوه، علی رضا، *از نخلستان تا خیابان*، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰ الف.
- _____، *چمدان های قدیمی*، به کوشش محمد علی مؤدب و مبین اردستانی. تهران: سلمان پاک، ۱۳۹۱ الف.
- _____، *شبلی و آتش*، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۳.
- _____، *صبح بنارس*، تهران: شهرستان ادب، ۱۳۹۱ ب.
- _____، *عشق (علیه السلام)*، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰ ب.
- قمی، شیخ عباس، *منتهی الآمال*، بی جا: انتشارات کتابچی، ۱۳۸۰.
- کارگر، رحیم، *آینده جهان*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۸۷.
- کزازی، میر جلال الدین، *نامه باستان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۷۹.
- لوشر، ماکس، *روان شناسی رنگ ها*، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: دُرسا، ۱۳۸۹.
- مجاهدی، محمد علی، *گنج گوهر*، معرفی و گزیده شعر ولایی از ابوالحسن شهید بلخی تا حکیم ناصر خسرو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- محدثی خراسانی، زهرا، *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۸.
- محمدی اشتهااردی، محمد، *قصه های قرآن*، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی، ۱۳۷۹.
- معلم دامغانی، علی، *گزیده اشعار علی معلم دامغانی*، به کوشش محمد نور الهی، سید ابوطالب مظفری، محمد کاظم کاظمی، مشهد: سپیده باوران، ۱۳۹۳.
- _____، *رجعت سرخ ستاره*، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷.
- موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۶۱.
- Blutner, Reinhardel. Hochnadel.E.(2008),Two qubits For C.G. jung,s theory of personality.Amsterdam, pp5 of 17.